در مکتب استاد

محمد حسینی شیرازی


بسم الله الرحمن الرحیم

در مکتب استاد

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

مالک اشتر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

در مکتب استاد ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

اشاره ----- ۶

مقدمه گردآورنده ----- ۶

ارزش علم و تربیت ----- ۷

پاکسازی اخلاقی ----- ۱۰

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۳

در مکتب استاد

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی محمد
عنوان و نام پدیدآور : در مکتب استاد/ گوینده محمد شیرازی نویسنده شهاب‌الدین حسینی واعظ
مشخصات نشر : قم مالک اشتر [مرکز پخش ، [۱۳۶۳؟].
مشخصات ظاهری : ص ۶۴
شابک : بها:۷۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : اسلام -- مسائل متفرقه شناسه افزوده : حسینی واعظ، شهاب‌الدین گردآورنده رده بندی کنگره : BP۸/ح۵د۴
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۲
شماره کتابشناسی ملی : م۶۳-۳۶۱۰

اشاره

حضرت آیت الله العظمی شیرازی پس از ورود به شهر مقدس قم در سال ۱۳۵۸هـ‌ش در مسجد امام زین العابدین (علیه السلام) این شهر درس خارج خود را آغاز نمود و در همان مکان در روزهای پنج‌شنبه برای طلاب علوم دینی شرکت کننده سلسله سخنرانیهایی را با عنوان درس اخلاق ایراد میفرمودند. کتاب حاضر گردآوری دو سخنرانی از درسهای اخلاق معظم له میباشد که توسط یکی از آقایان شرکت کننده در این دروس گردآوری شده و بصورت کتابی با عنوان (در مکتب استاد) به رشته تحریر درآمده است.

مقدمه گردآورنده

مقدمه گردآورنده

عصری که در آن زندگی می‌کنیم نامهای مختلفی دارد عصر تکنیک و صنعت، عصر ماشین، عصر تسخیر فضا، عصر موشک، عصر اتم و خلاصه جهان با قدرت صنعت و تکنیکش مقدسات و نغمه‌های آسمانی و قوانین قرآنی را فراموش کرده و دچار بدبختی و جنایات شایانی شده است که در تاریخ انسانها بی‌سابقه است. بد نیست برای اثبات مطلب روزنامه اطلاعات ۲۴ / ۹ / ۵۱ را بخوانیم که می‌گوید: ملاحظه می‌کنید که جهان با تکنیک و قدرت علمی منهای شرف و انسانیت چه می‌کند، سنبل جهان پیشرفته امروز آمریکاست یعنی اول کسی که توانسته است قدم به کره ماه گذارد و پرچمش را در آنجا نصب کند آمریکاست ولی ناظر تجاوزات آمریکا بر مردم و ممالک زیر دست و بی‌قدرت بوده و هستیم. این علمی که برای بشر بیچارگی آورده و به وحشیانه‌ترین عمل در عصر حاضر دست یافته است و این تزلزل فکری و روحی و این انقلاباتی که در جهان بشریت سایه انداخته برای چیست؟ آیا بشر عالم نیست؟ دانشگاه ندارد؟ قدم بر کره ماه نگذاشته؟ چرا همه را کرده و داشته و دارد. پس این اضطرابات برای این است که بشر حاکم علم دارد ولی ایمان ندارد، شرف و انسانیت ندارد، اخلاق ندارد، خدا بدست فراموشی سپرده شده است و جهان حشر و معاد را از یاد برده است و این نه تنها مربوط به کشور آمریکاست بلکه در تمامی ممالک و به عموم افراد سرایت کرده و می‌خواهند از ناپاکی و نداشتن اخلاق و درستی استفاده نمایند. و امیدواریم خدا همه ما را به سوی سعادت و کمال رهنمون و در مسیر شاهراه

حقیقت و پاکسازی نفس موفق باشیم. و کتاب حاضر مشتمل بر ده درس جالب اخلاقی از حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سید محمد شیرازی مد ظله در سال۱۳۵۸ در قم ایراد فرموده‌اند. و کسانی که با آیت‌الله آشنایی داشته‌اند و از نزدیک با ایشان برخورد نموده‌اند خوب می‌دانند که این عالم بزرگوار گذشته از تسلط در فقه و اصول که رشته تخصصی هر مجتهد و مرجع تقلید است در مباحث و موضوعات مختلف اسلامی و حدیث و تفسیر و مهارت در تاریخ و ادبیات، دارای مطالعات وسیعی بوده و تا کنون صدها کتاب فقهی و اصولی و اسلامی و تاریخی در سطح همه اقشار جامعه نوشته و همیشه و همه وقت سعی بر این داشته و دارد که همه مردم در همه جا رشد و آگاهی صحیح اسلامی یافته و طریقِ اسلام صحیح را بشناسند. و از حرفهای همیشگی و روزانه معظم له این است که باید امروز قلم بدست گرفت و کتاب نوشت زیرا مردم احتیاج به فرهنگ دارند و در تمام کشورهای اسلامی نیازمندی زیاد است و تمام مصیبتهای دنیا از بی‌فرهنگی و یا کم فرهنگی است که اگر فرهنگ مسلمانان خوب شود هم دنیا و هم آخرتشان هردو آباد و عالی خواهد بود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: لَیتَ السّیاط علی رؤس اصحابی حتّی یتفقهوا. ای کاش با تازیانه اصحاب مرا می‌زدند تا بفهمند که مراد از فقه همان فهمیدن است. و تا زمانی که مسلمانان فقهی که در قرآن و سیره ائمه معصومین(ع) موجود است را نفهمند در حال عقب ماندگی خواهند ماند. و می‌دانیم که وجود مبارك پیامبر معلم و رهبر راستین امت آنقدر گرسنه می‌شدند که سنگ به شکم مبارک می‌بستند و حضرت زهرا(ع) و علی(ع) از گرسنگی در فشار بودند ولی از احدی یک دینار و درهم نمی‌گرفتند و تمام همتشان ارشاد و هدایت و آقایی مردم بود که در این راه چه آزارها و اذیتها کشیدند. کتاب بنویسید و حضرات ائمه طاهرین ارواحنا فدا هم را به مردم معرفی کنید زیرا که جامعه آنها را درست نشناخته و فکر می‌کند که آن بزرگواران فقط عالمی بیش نیستند و باید بدانند که اینان خلفاء واقعی خدا در روی زمین‌اند و عالم بواسطه آن ذوات مقدسه بنا گردیده و هدفشان پیاده کردن احکام مقدس و نورانی قرآن و اسلام راستین بوده است. و چون دیدم کلمات و بیانات اخلاقی و درسهای خود سازی آن آیت‌الله بِکر وجالب است، لذا اقدام به نوشتن آن کردم تا ادای ادبی به این استاد تربیت و اخلاق باشد.

قم ـ سید شهاب الدین حسینی واعظ تابستان ۱۳۶۳

ارزش علم و تربیت

ارزش علم و تربیت

ما در عراق که بودیم و در کویت نیز هفته‌ای یک روز را که تعطیل بود به درس اخلاق اختصاص می‌دادیم و رفقا همگی استقبال می‌کردند و امروز این کار و برنامه را در اینجا (قم) دنبال می‌کنیم. اخلاق جمع خلق به معنای صفت است و معنای خاصی ندارد بلکه معنای عام است و اصولاً اخلاقیات در گوینده و شنونده هردو مؤثر است مثل مرثیه و ذکر مصیبت که هم گوینده و هم شنونده را تأثیر می‌بخشد. آیه شریفه‌ای که در اول بحث است استفهام است و استفهام با قیمتی است که هیچ چیزی را فروگذار نکرده است: هر دانا و هر نادان مساوی نیستند. و دانا بودن و نادان بودن اختصاص به بشر ندارد بلکه حیوان هم اگر دانا باشد قیمت دارد. در کویت معمولاً در مراکز پلیسی از سگ‌های تربیت شده استفاده میکنند که شاید این سگ خیلی کارها انجام و مشکلاتی را رفع می‌نماید. در این کویت که ما بودیم دو سگِ پلیس را به مبلغ پنجاه هزار دینار کویتی (۵.۲) ملیون تومان ایرانی خریداری کرده بودند و از امتیازات این دو سگ غریزه و شامه‌ای بود که مجرم را می‌شناخت و دستگیر می‌کرد. یکی از دوستان کویتی ما که در ماشین سازی کویت است نقل کرد که مغازه ما را سرقت کردند و ما نفهمیدیم که دزد کیست و هرچه تلاش کردیم نتیجه‌ای

نگرفتیم به ناچار از این سگ کمک گرفتیم و عده‌ای را به صف کرده سپس سگ را رها کردیم تا ببینیم چه می کند، آیا واقعا دزد و سارق را می‌شناسد و می گیرد، دیدیم تمام افرادِ در صف قرار گرفته را بو کرد تا رسید به آخری و او را دستگیر کرد، آن شخص تا این عمل را از سگ دید فریاد و داد زد که من دزد نبودم و این سگ بیخود مرا گرفته باز صف تشکیل شد و این دفعه این آقا را وسط قرار دادند باز سگ همه را بو کرد و همین شخص را گرفت باز فریاد اعتراض که من دزد نیستم، مرتبه سوم او را اول صف قرار داده و سگ را از آخر مأمور گرفتن دزد کردند باز هم آمد و مچ همان شخص را گرفت، همگی فهمیدند که این جوان دزد است و جوان التماس و انتقاد که من دزد نیستم و سگ بیخود مرا گرفته و نشناخته است، جوان را به حمام بردند و تمیز کردند و لباسهای قبلی او را عوض کردند و دوباره همه در صف ایستاده سگ را رها کردند باز سگ همه را بو کرد و همان جوان سابق را که این بار تغییر لباس داده بود و حمام رفته بود گرفت و برای چهارمین بار معلوم شد که دزد همین شخص است و خود او هم به دزدی اقرار کرد و پولهایی را که برداشته بود پس داد. پس ببینید هرچیز دانایی خوب است حتی اگر سگ باشد و لذا باید آدمی جدیت کند که دانایی و علمش را زیاد کند و در تمام زمینه‌ها دانا و آگاه باشد، بخصوص ما که اهل علم و دانشیم باید سعی کنیم در فرا گرفتن بیشتر علم و دانش. و تلاشمان این باشد که به سواد و معلومات خود بیافزاییم و در موفقیت این راه باید از خدای بزرگ مساعدت و یاری بگیریم و از او بخواهیم که ما را بپذیرد و توفیق بدهد. اوّل العلم معرفهٔ الجبّار و آخرالعلم تفویض الامر الیه. در ورود و آغاز علم و دانش اتکاء به خدا و برای خدا و پایان و آخر هم برای خدا و به دست خدا. الهی چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار و ظاهرا علمی که برای خدا نباشد ثمره‌ای ندارد و علمی است بی‌محتوی. و چرا علماء و مجتهدین گذشته اینقدر اعتبار و شهرت گرفته‌اند که امروز در بیشتر حوزه‌ها و مراکز دانش و دانشگاهی جهان نامشان بر سر زبانهاست و همه مورد احترام و تکریم می‌باشند به خاطر این است که ارتباط با مبدأ داشته‌اند و بنام او و به خاطر او به دنبال علم و کمال رفتند و دسته‌ای هم زحمت کشیدند و معلوماتی کسب کردند و خدماتی هم تقریبا به جامعه عرضه نمودند و ابتکارات و اکتشافاتی هم داشتند ولی مردند و از آنان اصلاً نامی و مطلبی نیست چون خودشان و علمشان برای خدا نبوده، قرآن کریم و روایات و پیشوایان دین علیهم‌السلام علم و عالم را ستوده و برای آنان مقامی منیع قایل شده‌اند. هل یستوی الّذین یعلمون والّذین لا یعلمون انّما یتذکّر اولوا الالباب. آیا نادان و دانا مساوی و برابرند؟ هرگز همانا صاحبان عقل و دانش برتر و ممتازترند. عن ابی عبدالله(ع): قال رسول الله(ص) طلب العلم فریضهٔ علی کلّ مسلم و مسلمهٔ الا ان الله یحب بغاهٔ العلم. امام صادق(ع) فرمودند که پیامبر اسلام(ص) فرمود: درخواست علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب و لازم است و خداوند تعالی دوست دارد دانش جویان را. اشتباه نشود، علم و دانش که بر مرد و زن واجب شده است، علم دین و شناخت توحید و معنویت است نه علمی که دختر و پسرش با توحید و معنویات مبارزه کرده و آن را خرافه و ارتجاع نامند. نه علمی که خواننده و یاد گرفته‌اش مخرب و کارشکن باشد، نه علمی که دختر و پسر را به سوی دنائت و فساد ببرد، متأسفانه بعضی از پسرها و دخترهای درس خوانده و معلومات دار ما از علمشان سوء استفاده کرده دست به پاره‌ای از جنایات و خودسری‌ها می‌زنند که واقعا شرم‌آور است. و خداوند دانش جوی پاک، خداپرست و خدا ترس و متقی را دوست دارد نه هر دانش جویی را. آیا دانشجوی دختر و پسری که در سخنرانیهایشان اصلا نام خدا و دین و ائمه طاهرین(ع) و.... نیست و با آنان در ستیز و نبردند محبوب خدا هستند؟ آیا دانشجوئی که از دشمن خدا و کارشکن و مخرب دین خدا که افکار مردم را به سوی ضلالت و گمراهی و انحراف می کشاند به عنوان نابغه و استاد نام می‌برد و اصلاً توجه ندارد، محبوب خداست؟ هرگز. دانشمندان و روحانیت واقعی اسلام که دانشجویان و عالمان دینند چون لباس اسلام و قرآن را به تن دارند و نشر دهندگان حکم خدا و قرآن و سنّتند محبوب خدا و خلقند. فقط روحانیت و دانشجویان دین‌دار مورد ستایش خدا و برگزیدگان خدا و انبیاء و ائمه(ع) قرار گرفته‌اند نه دیگران. عن امیرالمؤمنین(ع): ایّهاالنّاس اعلموا ان کمال الدین طلب العلم والعمل به الا و ان طلب العلم اوجب علیکم من طلب المال انالمال مقسوم مضمون لکم و قد قسمهٔ عادل بینکم و ضمنه و سیوفی لکم والعلم

مخزون لکم عنـد اهله و قد امرتم بطلبه من اهله فاطلبوه: امام علی(ع) می‌فرماید: ای مردم بدانید که کمال دین به دانشجویی است و عمـل به دانش، و همانـا بدانیـد که طلب علم بر شـما از طلب مال حلال لازمتر است زیرا مال را خـدای عادل بین شـما تقسیـم کرده است و ضمانتش را هم داده و به ضمانت آن وفا می‌نماید که رسیدن و دادن روزی باشد. ولی علم نزد اهلش نگهداری شده است و شما مأموریـد که آن را از اهلش بخواهیـد (باید شـما پیش آنان بروید نه اینکه آنان نزد شـما بیایند). عن ابی عبدالله(ع): قال سـمعته یقول الناس علی ثلثه اقسام (اصـناف) عالم و متعلم و غثاء فنحن العلماء و شـیعتنا المتعلمون و سائرالناس غثاء. از امام شـشم(ع) اسـت که مردم بر سه دسـته‌اند: دانشـمند ـ دانشـجو ـ خاشـاک روی آب. علمـاء و دانشـمندان مـائیم و شـیعیان ما دانشـجویان و مردم دیگر حباب و خاشاک روی آب می‌باشـند. آنرا که علم و دانش و تقوی مسـلم است هرجا رود قدمش خیر مـقدم اســت جاهل بروز فتنه ره خانــه گم کنــد عالم چراغ جامعه و چشم مــردم است از اشتباهات بیشتر مردم این است که می گویند ما در قرآن خوانده‌ایم که نمی‌شود یـک آیه مثـل قرآن آورد و این حرف ناصـحیح است و می‌شود یک آیه آورد. مـدها متّان (دو برگ سبز) زیـدان خرجا و امثالهما. بلکه آنچه صحیح است این است که یک سوره نمی‌شود مثل قرآن آورد چنانکه در خود قرآن اشاره شده است: فأتوا بعشر سور مفتریات ـ فأتوا بسورهٔ من مثله، او مثلها. تا اینجا معلوم شـد که شـخص باسواد و دانا قیمت دارد و هرچه دانائیش بیشتر، قیمت و ارزشش بیشتر، ولی شخصی که سواد و علم ندارد هیچ ندارد و بی‌قیمت است ولو اگر پادشاه و ملک باشد. یکی از سلاطین گذشته المستکفی بالله عباسی است وقتی مرد زیر پیراهنش،۴ ملیون ارزش داشت و این قیمت و ارزشـی نیست و کسی را بخاطر گران بودن لباسـش احـترام نمی کننـد بلکه هرچه محبـوبیت است مـال شـخص دانـا و بـاسواد است و علی(ع) در نهـج‌البلاغه در کلمـات قصـار می‌فرمایـد: (قیمـهٔ کـل امرء مـا یحصـل). ارزش هر مردی بقـدر کار و عمل اوست، اگر عملش سالم و صالـح باشـد خوب است و با قیمت. معروف است که پسری با پدرش آمدند در مسـجد کوفه تا در نماز جمعه بامامت حضـرت علی(ع) شـرکت کنند جوان دید آقا بالای منبر است و مردم را تـذکر می‌دهـد و پیراهن خود را هم تکان می‌دهـد، ناراحت شد و تعجب کرد که این چگونه واعظ و گوینـده‌ای است که از حـالت طـبیعی خـارج است، علی را نمی‌شـناخت، از پـدرش پرسـید علت حرکت دادن پیراهن را، جواب داد پسرم تو نمی‌دانی من که از یاران و صحابه او هستم می‌دانم، علی(ع) یک پیراهن بیشتر ندارد و او را شسته و پوشیده و روی منبر هم سخن میگویـد و هم پیراهن نمناک را تکان می‌دهنـد تا خشک شود علی(ع) رهبر و امام ملت است ذره‌ای نمی‌خواهد از حکومتش سوء اسـتفاده نمایـد و تأسـی به فقراء و بیچارگان شـهر کوفه می‌نماید و شـما حتما این قضـیه را شـنیده‌اید که: روزی امیرالمؤمنین از خانه بی‌سرپرست و گرسـنه‌ای مطلع شدند و بلافاصله رفتند و آذوقه‌ای برای آنان آورده در خانه را زدند و مقدمات بی‌نیازی و رفع گرسـنگی اهل این خانه را آماده کردند و یا با برادرش عقیل چطور رفتاری داشتند نه به او مقام دادند و نه پول، بلکه حقوق مساوی با دیگران به او می‌پرداختند، تا اینکه روزی برادر را به خانه دعوت کرده و از وی خواست که حقوقش را زیاد کند و گفت شما که رهبر و حاکم کوفه‌اید باید اول ما را در ناز و نعمت فرو برده بعد بداد مردم برسـید و اصلاً چه عیبی دارد که مردم بمیرند و در فشار و سـختی زنـدگی کننـد، بگذاریـد من خـانه و کـاخ و ویلاـ و مسـتغلات و اتومبیلهـای مختلف داشـته بـاشم و خـائن و سارق باموال بیت‌المال مسـلمین باشم ولی مردم هیـچ نداشـته باشـند، گرسـنه باشـند، حقشان ضایع شود، امام علی چنان ناراحت شـد که فریاد زد عقیـل تـو مرا به خیـانت و دزدی دعـوت می کنی، مگر نمی‌دانی که امـوال بیت‌المـال ویژه مسـلمین است و علی را که حـاکم کشور اسـلامی است از آن حقی نیست و این است طرز حکـومت علی(ع) و به امیـد روزی که این حکـومت در ایران و در تمـامی بلاـد و کشورهای دیگر وجود پیدا کند و عالمی در رفاه و آسایش باشـند. عبدالکریم قاسم را در عراق با آن اعتبار و مقام یک سرباز ترور کرد و همه دیدنـد و از رادیـو شـنیدند، از اول هم قیمت نداشـتند و به زور خود را بر مردم سوار کردنـد و ادعـای سـلطنت و شـاهی نمودنـد، ولی بزرگـان دین و علمـای اسـلام بـا وجودی که نامشـان در رسانه‌هـای خبری برده نمی‌شود اما ارزش و قیمتی مخصوص دارند مثلاً از شـیخ مفید چقدر تجلیل می‌شود و از نوشتجات و مؤلفات او در درسهای حوزه علمیه استفاده و بقیه اثراتش مورد تائید

و مدرک اقتباس و نقل عموم و خصوص می‌باشد. آیا شیخ مفید چه کسی بود و از کجا آمده بود؟ شخصی عادی و معمولی بود، درس خواند، تقوی داشت بدرس و سواد ادامه داد تا اینکه قیمت پیدا کرد و مرجع تقلید دیروز و امروز و فردا شد. بعکس منصور دوانیقی که جنایات و خراب‌کاریهای زمان حکومتش بر احدی پوشیده نیست چقدر خودسر و خائن بود دستور داد خانه حضرت امام جعفر صادق(ع) را آتش بزنند وقتی مأمورینش برای این عمل قبیح آمدند زن و بچه و اهل‌بیت خانه همگی ناراحت شدند و گفتند الان خانه و اثاث ما می‌سوزد، ولی دیدند ناگاه حضرت صادق(ع) وسط آتش آمده فرمودند: انا بن ابراهیم الخلیل. من فرزند ابراهیم خلیلم، آتش ایستاد و خاموش شد، معجزه و نشانه امامت است که آتش خاموش می‌شود. نمرود مزدور هم پس از مخالفتهای پی در پی ابراهیم و اعلام اینکه حکومت نمرود غیرالهی است و من قبول ندارم مردم را بر ضد حکومت می‌شورانید و از جنایات نمرود پرده برداری می‌نمود با ناراحتی و عصبانیت دستور داد هیزم آوردند و آتش روشن کردند و با منجنیق حضرت ابراهیم را در وسط آتش انداختند، نمرود خوشحال شد و گفت: الان ابراهیم اخلالگر می‌سوزد و من راحت و آسوده می‌شوم، ولی دید عجبا آتش گلستان شد و خطاب رسید: یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم. ای آتش سرد و سلامت باش برای ابراهیم. در هر عصر و زمانی خداوند ابراهیمی دارد که با نمرود زمان ستیز می‌کند و او را سرنگون و ساقط می‌سازد.

پاکسازی اخلاقی

پاکسازی اخلاقی

چون درس این هفته مصادف است با ماه ذی حجه الحرام، ماه فضیلت، ماه پاکسازی، ماه حج و عبادت و اعمال. و لذا دستور اکید است که باید بین صلاتین مغرب و عشا دو رکعت نماز به نیت دهه نخستین ذی الحجه خوانده شود تا صاحبش را در عمل حج شریک سازند. (و واعدنا موسی ثلاثین لیلهٔ و اتممناها بعشر فتمّ میقات ربه اربعین لیلهٔ و قال موسی لأخیه هارون اخلفنی فی قومی و أصلح ولا تتبع سبیل المفسدین) (سوره اعراف: ایه ۱۴۲). چه خصوصیتی دارد این آیه مذکور که روایت است هرکس او را همراه با دو رکعت نماز و حمد و سوره بخواند خداوند طواف حجاج را به او می‌دهد. آیا این حرف مبالغه و خلاف است؟ ابداً. بدون زحمت و مشقت پول خرج کردن و رفتن به مکه و اعمال انجام دادن با دو رکعت نماز که گفتیم خدای بزرگ اینقدر صواب به خواننده‌اش می‌دهد. البته ما در اینجا در مقام تفسیر آیه و نماز این دهه نیستیم و فقط به عنوان مقدمه بحث از او یادی نمودیم. می‌دانید که وقتی حجاج به سمت طواف می‌روند آیه مزبور را می‌خوانند، و خدا روزی کند هر سال این سفر با برکت و شریف قسمت ما بشود و از خوبیهای این سفر اینکه تمام مسلمین از سرتاسر جهان در یکجا جمع می‌شوند و یکدیگر را می‌بینند واز احوال و اوضاع بلاد و کشور و مسلمانان اطلاع پیدا می‌کنند و به مساعدت و کمک یکدیگر اقدام می‌نمایند و از جهت معنا آدمی را متوجه مرگ و جهان محشر می‌کند که تمامی افراد بشر با یک لباس احرام و مخصوص در پیشگاه عدل الهی حاضر و زنده گشته و جزای اعمال خوب و بد را می‌گیرند. در زمان امام زین‌العابدین(ع) حجاجی که به مکه می‌رفتند (۵.۴) ملیون نفر بودند و در سال۱۳۹۴هـ طبق آمار رسمی یک میلیون و پانصد هزار نفر به حج رفتند. قریب یک ملیون آنان از خارج عربستان سعودی بودند و همه از این عدد بزرگ که بی‌سابقه بوده است هراس و ترس داشتند. در آن سال پس از ایام حج هر حاجی را که می‌دیدید شکایت از چند چیز معین داشت. افرادی با چشم خود دیده بودند که چگونه بعضی مردم از شدت ازدحام در خانه خدا و در مطاف زیر پاها جان داده بودند. و برخی دیگر در مذبح و کشتارگاه و جمرات و بعضی خیابانها چنین مناظری را مشاهده کرده بودند. دسته‌ای دیده بودند که چگونه قسمتی از دیوارهای منی ریخته و جابجا چند نفر را کشته است. و مردم دیگری در آن سالم دیده بودند که چگونه

بیماری شبه وبا گریبانگیر برخی از حجاج گردیده و در اثر آن چند نفر مرده‌اند. و گروهی دیده بودند که چگونه در بعضی از مناطق منی آتش سوزی روی داد و عده‌ای در اثر آن سوختند و خلاصه هرکس از چیزی شکوه داشت. و برخی دیگر رنج می‌بردند که چرا در این کنگره عظیم اسلامی تبلیغات دینی وجود ندارد و پاره‌ای ناراحت بودند که چرا تاکنون بقیع و قبور ائمه اطهار(ع) و شهدای اسلام و اصحاب و اهل بیت پیغمبر خراب است. شکی نیست که تمام این اوضاع نیازمند علاج و درمان است و درمان هرگز در دست یک حکومت، یا یک انسان و یا گروه خاصی نیست و هرگز نمی‌توان جلوی این سیل خروشان حجاجی را که هر ساله رو به فزونی است گرفت زیرا که رفت و آمد آسان شده ولی زندگی پیچیده مادی نیازمند چنین سفرهای معنوی است تا مردم در درگاه الهی و در آستانه پیامبر و ائمه اطهار و اصحاب گرامی او از پاره‌ای مشکلات رهایی یابند و اسلام در حد خود مردم را جهت ادای این فریضه مقدسی که خداوند آن را قیام مردم خوانده است تشویق و تحریص می‌نماید. و از جهت دیگر هر حکومتی هر مقدار قدرت و امکانات داشته باشد و مردم نیز هر قدر دانش و آگاهی داشته باشند نمی‌توانند اوضاع را بگونه‌ای درمان کنند که در این سفر چند روزه همه چیز به خوبی و آسایش کامل بگذرد و چاره‌ای نیست مگر اینکه همه دست در دست هم داده و کوششهای مخلصانه‌ای برای ایجاد نظم و تعمیم عمران و وسایل آسایش و تنظیم رفت و آمد و سکونت و غیره انجام بدهند. در آیه مورد بحث خداوند به حضرت موسی بن عمران می‌فرماید: ما موسی را به مدت سی روز به کوه طور فرستادیم برای این که الواح تورات را مشاهده کند. می‌دانیم که حضرت موسی یکی از پیغمبران خداست و باید هر پیغمبری دارای کتاب باشد و کتاب او تورات بود و عده‌ای به او ایمان آورده بودند خداوند خواست قوم موسی را آزمایش کند و ببیند که آیا در اثر غیبت موسی ملت متفرق می‌شوند یا نه. سی روز مأموریت داشت در کوه طور بماند وقتی مأموریتش تمام شد، ده روز اضافه گشت و در این مدت ده روز اضافه ملت متفرق شدند و از موسی دست برداشتند و گوساله پرست شدند. چرا اول فرمود ۳۰ و بعد ۴۰ آیا در کار و قول حق تعالی نقص و اشتباهی است؟ ابداً. بلکه می‌خواهد پیغمبر و قومش را آزمایش و امتحان کند و شاید بنا بود در این مدت ده روز انقلابی به وجود بیاید و وقتی انقلاب شد همه برگشتند و کافر به انقلاب و پیروزی خود شدند. فلمّا جائهم ما عرفوا کفروا به. قوم موسی با تلاش و کوششهای موسی آدم شدند و سعادت باز یافتند ولی متأسفانه مخالف با سعادت و آدمیت بودند او را رها کردند و به کشتار و خونریزی مبادرت ورزیدند. (یذبحون ابناءکم و یستحیون نساءکم و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم) (سوره بقره: آیه ۴۹). مردها را کشتند و زنها را مورد بی‌حرمتی قرار دادند و به عذاب و درد بی‌درمان مبتلا شدند. وقتی قدر انقلاب و عالِم و پیغمبر را ندانند فرعون دژخیم و دیکتاتور بر آنان مسلط می‌شود که ذره‌ای رحم و عاطفه ندارد. بنی اسرائیل بعد از آن همه شکنجه‌ها و آدم‌کشیها و زنای با دخترها و زنها فهمیدند که باید به دنبال موسی باشند و حضرت موسی فرمودند من ۳۰ روز به کوه طور می‌روم حالا- چه شد آیا حادثه‌ای پیش آمد که ده روز تفاوت و اضافه شد و برای آزمایش مردم فرمود: (و اتممناها بعشر) ده روز بیشتر او را در کوه طور نگهداشتیم. با ده روز انقلاب به وجود می‌آید و با ده روز انقلاب معدوم و نابود می‌شود. (و قال موسی لاخیه هرون اخلفنی فی قومی وأصلح ولا تتبع سبیل المفسدین). حضرت موسی سه جمله به برادرش هارون پیغمبر فرمود. ۱ ـ اخلفنی فی قومی: جای من باش و فرار نکن، البته جانشین شدن و قبول مسئولیت مشکلاتی هم دارد، مشکلات انقلاب، مشکلات مسجد، مشکلات محراب و منبر، مشکلات تعلیم و تربیت، مشکلات امام جماعت بودن. اینها تمام فحش و ناسزا دارد، مردمی که به پیغمبر و ائمه(ع) جسارت کردند و آنان را مورد تندی و بی‌اعتنائی قرار دادند بی‌سرانجام و فرومایه هستند. ۲ ـ أصلح: دومین موعظه‌ای که موسی به هارون کرد این بود که فرمود: اصلاح کن. مگر هارون مفسد بود که فرمود اصلاح کن. ابداً، بلکه به ما خطاب می‌کند به اینکه فسادگر نباشیم و همیشه خواهان اصلاح باشیم، اصلاح جامعه، اصلاحِ درون، اصلاح خانواده... ۳ ـ لا تتبع سبیل المفسدین: در راه مفسدین نباش. آیا مگر حضرت هارون دنباله رو مفسدین بود که حضرت موسی فرمودند در راه مفسدین نباش باز ما مورد خطاب هستیم همراه فاسد و ضد خدا نرو، در مسیر طاغوت نباش، کارشکنی نکن، کم‌کاری نداشته باش. امام شافعی در این باره نصیحت می‌کند:

لسانك لا تبدى به سوأة أمرئ فكلك سوأة و للنـاس ألسـن و عينك ان اهدت اليك معايبا من الناس قل يا عين للناس اعين با زبانت بـدی مردم را نگو در صورتی که خودت پر از عیبی زیرا اگر بدی مردم را گفتی بدی تو را خواهند گفت. و چشـمت اگر خواسـت نقص و عیب کسـی را پیش تو مجسم کنـد بگو ای چشم مردم هم ناظر و بیننـده و چشم دارند و عیب تو را می‌بینند. بقول شاعر: هر بد که به خود نمی‌پسـندی با کس مکن ای برادر مـن این داسـتان مشـهور را هم شـنیده و خوانده‌اید: حضرت عیسی(ع) با جمعی از شـاگردان از کوچه‌ای عبور می کردنـد، ناگـاه در وسـط راه میّتی را دیدنـد که فضای کوچه را پر از بوی تعفن کرده است شاگردها همه دستها را در بینی خود گرفتند ولی حضـرت عیسـی و اسـتاد، این کار را نکردند و فرمودند اگر شما بوی تعفن مرده را دیدید و شنیدید ولی من دندانهای سـفید و قشـنگ او را دیدم. یکی از چیزهائی که برای اصـلاح درون مفید و مؤثر است تلقین کردن است. اگر در صدد باشـیم که تلقین به خود نماییم و در صدد اصـلاح نفس باشـیم با یک مدت کوتاهی تغییر درون خواهیم داد و با تلقین کردن به خود آدمهای زیادی اصـلاح گشـته‌اند. شـما گاندی را می‌شناسـید و معتقدید که او مسـلمان نیست در صورتی که من فکر میکنم مسـلمان بوده ولی اظهار نمی کرده چون می‌خواسـته حرکتش خراب نشود، با سـر و وضع ساده زنـدگی می کرده و شاگردانی داشـته که از جمله آنهاست (راجَنـد برازاد) که در اسـتقلال حکومت هنـد به ریاست جمهوری رسـید و شاگرد دیگرش محمـد علی جنـاح است که همه او را مسـلمان می‌داننـد، هرچه باشـد. شاگرد اولش کتابی دارد بنام (قصـهٔ تجارب مع‌الحقیقـهٔ) زحمتی که برای بـدست آوردن حقیقت کشیدم. این گانـدی در کودکی ترسو بود و شـبها بیشتر در خواب جن‌هـا را می‌دیـد و از خواب می‌پریـد و نـاراحت بـود، در اثر تلقیـن ایـن آدم ترسـو در اواخر عمر بـه جنگهـای بزرگ می‌رفـت و اصـلاً ترس و وحشـتی نـداشت، و ایـن از محســنات تلقیـن اسـت. میثـم تمـار یکی از برکـات و افتخـارات عـالم اسـلام اسـت او فردی بـود عبـد و بـد ترکیـب و سـیاه، روزی امیرالمؤمنین(ع) با دوسـتان تازه وارد کوفه شده بودند و مردم آن جناب را نمی‌شـناختند از کنار میثم گذشتند دیدند او نزد یک زن نشسـته است حضـرت به زن فرمودند این بنده را می‌فروشی جواب داد آری پنجاه دینار (سه ربع مثقال طلا) فرمودند او را بخرید زن که دید علی(ع) با پنجاه دینار خرید میثم موافقت دارند و از طرفی هم او را نمی‌شناخت فوری گفت: نه آقا او را صد دینار می‌دهم، امـام فرمودنـد به او صـد دینـار بدهیـد، بـاز زن به صـد دینار اکتفا نکرد و گفت: دویست دینار، و خلاصه تا چهارصـد دینار آمـد و علی(ع) بـدون اینکه ناراحت شونـد چهارصـد دینار دادنـد و جناب میثم را خریدند و با خود بردند و در کنار مکتب علی(ع) تربیت یافت و چنین شـخص نمونه و با عظمتی شـد، اگر امام علی(ع) میثم را به چهارصـد دینار ابتیاع نفرموده بودنـد امکان نداشت اینقدر امتیـاز و مقـام برای میثم باشـد و می‌دانیـد که جناب میثم با وجودی که زیبا نبود ولی مجاهـداتش زیبا و با نمونه است و از انقلابیون خسـتگی‌ناپذیر زمان معاویه است و در اثر مجاهـدات و مبارزات وی معاویه به لرزه و زانو در آمـد و خواب و آرام نداشت و عاقبت در راه حمـایت و طرفـداری از مقـام مقـدس ولایـت شـهید شـد که ما همیشه نامش را گرامی و راهش را دنبال خواهیم نمود. مثالی دارنـد فلاسـفه به اینکه: در یـک دانه حنظـل تلـخ یـک مگـس نیست ولی در یـک ذره عسـل ممکن است دهها مگس بنشـینند و از شیرینی او اسـتفاده کند. و ما سـعی کنیم حنظل نباشـیم و عسل باشـیم که همه به دور ما باشند و این امکان ندارد مگر اینکه تلقین به نفس داشـته باشـیم و خود را اصـلاح نمائیم. جامعه‌ای که تلقین نفس ندارد و در صدد اصلاح خویش نیست، ممکن نیست در مسیر سعـادت و شـاهراه سـربلندی و اسـتقلال قـدم بردارد و روز به روز برنـاامنی و گرفتـاری خود می‌افزایـد. بایـد به خود تلقین کنیم که بفهمیم: (المؤمن کیّسٌ فطن تمام رادیوها، روزنامه‌ها، کتابها و اطلاعات و اخبار را بایـد بـدانیم و بخوانیم، عالم به اجتماع باشـیم که بهترین فهمیـدگان اجتمـاع مؤمنینـد ولکن المنـافقین لاـ یفقهون. در زمـان شـاه از رادیوهـا و مطبوعـات شـنیدیم که بهترین جا برای آزادی اسرائیل است، در صورتی که حرف غلطی است و آزادی در اسلام است و عالیترین آزادی است و هرکس با آزادی مخالف است بایـد ادب شود. امیـدواریم که خداونـد به مـا توفیق تلقین به نفس را مرحمت فرمایـد تا اینکه در صـدد اصـلاح نفس برآئیم و دارای اخلاقی خوش و اسلامی باشیم. در پایان این بحث قضیه‌ای تاریخی از یکی از علماء و روحانیون عالیقدر و ربانی مرحوم شیخ

حسنعلی اصفهانی شاگرد فقیه و استاد بزرگ میرزای شیرازی را برایتان نقل کرده و ختم این جلسه را اعلام می‌نمائیم. مرحوم روان شاد نامبرده، روزی عازم کوفه بودند در راه به سارقهائی برخورد کرده که آن بزرگوار را عریان و لخت کردند و تمام جامه‌ها و اثاثیه او را از او گرفتند، آن مرحوم تا این سرقت را از آنان مشاهده کردند فرمودند اشکالی ندارد، اگر شما جامه‌ها و لباسها و اثاثیه مرا برداشتید هذا هدیّةٌ منیّ الیکم مباحٌ: حلالتان کردم، سارقین تا این بزرگواری و مناعت طبع را از وی دیدند شروع به گریه و زاری کردند و به دست آن مرحوم و در اثر تبلیغ و موعظه آن روحانی عالیقدر از عباد و زهاد و بندگان وارسته خدا شدند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».

